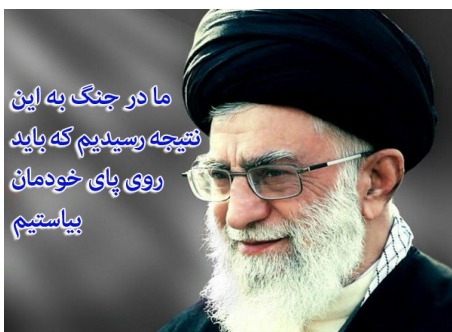




هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و ورزشی / استان‌های فارس، بوشهر و کهگیلویه و بویراحمد / ۸ صفحه / قیمت ۳۰۰۰ تومان / سال ۱۹ / شماره ۵۴۳ / چهارشنبه ۲۶ آبان ۱۴۰۰ / ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۴۴۳ / ۱۷ نوامبر ۲۰۲۱

کنگره‌ی علامه‌ی طباطبایی
نقطه‌ی عطفی در تاریخ فرهنگ
شهرستان کازرون در یکصد
سال اخیر

حاج حسین جمشیدی

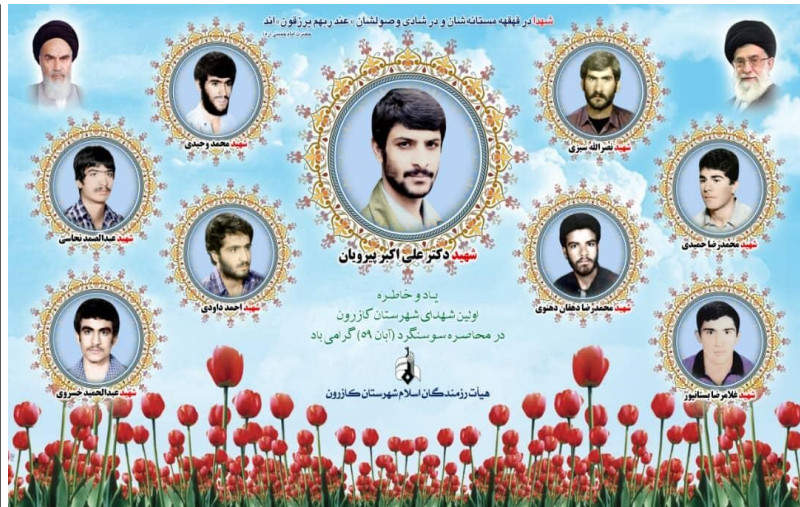
چرایی برپایی ۱۰ سال یادواره
علامه طباطبایی(ره) در
کازرون

علی زادافشار

نهضت علمی
کاظم دهقانیان فرد

سمینار علامه یک کار گروهی
بی نظیر
محمد حسین خواجه زاده

یادی از یادواره
به بهانه فرارسیدن سالروز ارتحال حضرتی
مهدی پرویزی



با گرامی‌داشت یاد و خاطره‌ی دلاورمردان کازرون در حماسه‌ی دفاع از سوسنگرد
۲۶ آبان سالروز آزادسازی سوسنگرد گرامی باد
شب یلدا در جبهه (حاج حسین پیروان)

برگزاری سمینار
علامه طباطبایی؛
در جهت ارتقاء
سطح فرهنگی و
اجتماعی شهرستان
کازرون
مصطفی بخرد

از برکات
علامه
مهدی تقی‌نژاد

به یاد سردار
شهید محمد
حسین (مسلم)
شیرافکن

نانوایی
سوسنگرد
تهیه و تنظیم:
رحیم نوبهار

سرپرست مرکز مدیریت آمار و فناوری
اطلاعات وزارت بهداشت:

بیشترین اثر واکسیناسیون،
کاهش جدی نرخ فوت ناشی از
ابتلا به کرونا بوده است

به گزارش وبدا، دکتر علی شریفی زارچی، نتایج واکسیناسیون کووید ۱۹ را در تحلیلی آماری با مقایسه نرخ ابتلا و فوت افراد واکسن زده و افراد واکسن نزده، تحلیل و استنباط کرده و این نتایج را در گزارشی ارائه داد. وی گفت: واکسیناسیون تأثیر بسیار چشمگیری در کاهش نرخ فوت ناشی از کرونا در تمامی گروه‌های سنی داشته است. تحلیل درصد اثرگذاری واکسن در هر گروه سنی و هر زمان بر اساس مقایسه نرخ فوت در افرادی که واکسن نزده اند و افرادی که یک یا دو نوبت واکسن دریافت کرده اند، به سادگی امکان پذیر است. دکتر شریفی زارچی افزود: بیشترین اثر واکسیناسیون، کاهش جدی نرخ فوت ناشی از ابتلا به کرونا بوده است. با این حال، افرادی که حتی دو نوبت واکسن را دریافت کرده اند، کماتر در معرض ابتلا به کرونا و بستری هستند. لذا پیشنهاد می شود، تداوم رعایت پروتکل های بهداشتی، حتی پس از دریافت هر دو نوبت واکسن، برای جلوگیری از ابتلای افراد و شروع خیز ششم بیماری کماکان مورد تأکید قرار گیرد.

تأکید موكد به تداوم رعایت پروتكل های
بهداشتی حتی پس از واکسیناسیون

دکتر شریفی زارچی اظهار داشت: تأثیر چشمگیر واکسیناسیون در کاهش نرخ فوت ناشی از ابتلا به کرونا در سنین بالاتر هم به وضوح مشاهده می شود. با این وجود، احتمال فوت ناشی از ابتلا به کرونا خصوصا در سنین بالای ۶۰ سال به صفر نرسیده است. لذا توصیه می شود تداوم رعایت پروتکل های بهداشتی حتی پس از واکسیناسیون صورت پذیرد. همچنین، امید است، تزریق نوبت سوم به گروه بالاتر از ۶۰ سال منجر به کاهش نرخ فوت ناشی از ابتلا به کرونا در این افراد شود که تحلیل نتایج آن پس از پیشبرد برنامه ارائه می شود.

جناب آقای
مصطفی مشفقیان

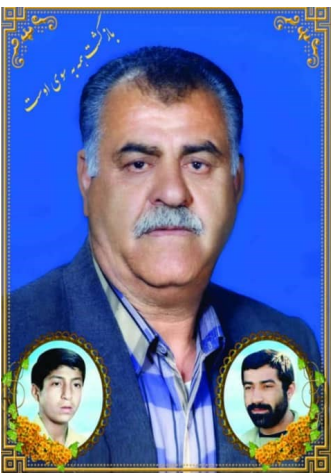
سلام عليكم

انتصاب شایسته جنابعالی با سوابق خوب
و موفق سال ها فعالیت فرهنگی بعنوان
معاون فرهنگی کلان شهر شیراز، تبریک
می گویم، امیداست که انشاءالله باتوکل
به خدا و در ظل توجهات حضرت ولی
عصر عج بارو حیه انقلابی، مدیریت
جهادی، نیروی جوانی و کوله بار
چندین ساله تجربیات در عرصه های
مختلف فرهنگی، در این عرصه هم
شاهد موفقیت های چشمگیر و موثر شما
باشیم.

و من ا... التوفیق...
دعاگوی خدمتگزاران صدیق ومخلص.

علی اسدزاده

بسم الله الرحمن الرحيم
انا لله و انا اليه راجعون



درگذشت
ابوالشهید مرحوم
حاج غلامعلی
سیاوش پدر
شهیدان والا مقام
حبیب و احد(علی
اصغر) سیاوش
موجب تأسف و
تأثر شد.

این اسوه مقاومت
و استواری که با
ایمان های نظام
آرمان های فرزندان
عزیز خود را در
حساس ترین
مقاطع دوران دفاع
مقدس روانه میدان جهاد و شهادت کرد، همواره الگوی
درخشانی برای پدران این مرز و بوم خواهد بود.

خادمین الشهداء وارده را به مردم شهیدپرور کازرون
و به دوست و هم‌رزم عزیزمان حاج علی اکبر سیاوش
و خانواده محترم آن پدر فداکار تسلیت می‌نماید و برای ایشان
علو درجات و هم‌جواری با فرزندان شهیدش و برای
بازماندگان صبر و سلامتی از درگاه خداوند بزرگ مسألت
دارد.

خادمین الشهداء کازرون



بسم الله الرحمن الرحيم
انا لله وانا اليه راجعون

خانواده محترم شهیدان والا مقام حبیب
واحد سیاوش و حاج علی اکبر
سیاوش، رزمنده و جانباز دفاع مقدس

مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ مَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ لَهُ سَبِيلًا
خبردرگذشت پدر ارجمندتان موجب تألم خاطر گردید.

فقدان آن پدر با تقوی که عمری را به پارسایی و عشق به اهل بیت (ع) سپری نمود، و
با صداقت و ایشار و مهر محبت در کنار شما گذر عمر نمود؛ عاقبت جهان فانی را وانهاد
و به عشق دیدار حضرت حق و فرزندان شهیدش به دیار باقی شتافت، ضایعه جبران
ناپذیری است که جز با صبر و پناه بردن به ایزد منان التیام نمی یابد.

از آستان اقدس ربوبی برای آن فقید سعید، علو درجات و هم نشینی با حضرت اباعبدالله
(س) صالحین، صدیقین، برای خانواده محترم و سایر بازماندگان سوگوار، پادش صابرين توام
صحت و سلامت مسئلت می‌نمایم.

هیات راویان شهداء، پیشکسوتان دفاع مقدس، رزمندگان گردان فجر کازرون

انا لله وانا اليه راجعون
برادر گرامی و جانباز سرافراز جناب آقای علی
اکبر سیاوش و خانواده محترم

خبرضایعه درگذشت پدر مؤمن، مهربان، صبور و شهیدپرورتان، والد شهیدان
والا مقام سردار حبیب و علی اصغر سیاوش موجب تأثر و تألم گردید، بدینوسیله
مراتب تسلیت و تعزیت خود را به شما عرض نموده، غفران و رحمت واسعه الهی و
حشراف فرزندان شهیدش برای آن فقیدسعید و صبر جمیل و اجر جزیل برای
بازماندگان از درگاه ایزدمنان مسألت دارم.

علی اسدزاده

یادداشت مدیر مسئول

جهاد تبیین

قسمت چهارم:

رسالت تبین در برابر تحریف

علی اسدزاده- در ادامه یادداشت‌هایی پیرامون چهار تبیین، تبیین در برابر تحریف به قلم

مدیر مسئول، در این شماره به عنوان یک وظیفه به موارد مصداقی تحریف آگاهانه یا ناآگاهانه در همین دور و بر خود، در شهر و محل خودمان می‌پردازد.

اولاً، برای همه‌ی اهل حق واضح و روشن است که دشمن زیاده‌خواه زورگوی سلطه‌جو به این سادگی‌ها دست از سر جمهوری اسلامی مستقل سلطه‌ستیز و یار مظلومان برنمی‌دارد.

ثانیاً، از پذیرش خسارت‌های سهمگین برخورد نظامی هم پرهیز دارد و همچنین بر گسترش و تداوم تحریف‌ها برای شکستن مقاومت ایران پای می‌فشرد.

بنابراین به وسیله‌ی عوامل مزدور خود و ناآگاهان و ساده لوحان بر گسترش شبه افکنی و تحریف می‌کوشند. تحریف اعتقادات و باورها، تحریف اخلاقیات، تحریف اصول و زیربناها، تحریف موفقیت‌ها و دستاوردهای مثبت، تحریف اقدامات و فعالیت‌های مؤثر، تحریف پیروزی‌ها و بالندگی‌ها و در نوشته‌ها، گفته‌ها، تحلیل‌ها و مصاحبه‌ها و میزگردهایشان طوری عمل می‌کنند که شنونده یا خواننده از یک اقدام مثبت برداشت منفی می‌کند و نسل جوان را نسبت به اقدامات دینی و انقلابی بدبین و نسبت به آینده ناامید می‌کنند.

نتیجه‌ی فعالیت‌های به ظاهر فرهنگیشان عوض کردن جای مبارز انقلابی با معاند، جای مظلوم با ظالم و جای شهید با جلا می‌باشد. و این یک جریان است از بالا تا پایین با استفاده از رسانه‌های مجازی، مکتوب و نمونه‌های تحریف در مورد دفاع مقدس و قداست‌زدایی از آن و در مورد دهه‌ی فجر و پیروزی انقلاب و مبارزین انقلابی، تحلیل‌های نادرست و ناروایی از طرف همین جریان تحریف منتشر می‌شود و اخیراً شنیده شده که در روزهای نزدیک به ایام سالگرد عالم ربانی، فقیه صمدانی، علامه نامی و مفسر بزرگ قرآن مرحوم آیت ... سید محمدحسین طباطبایی (ره)، از طرف بعضی‌ها نسبت به برگزاری یک دهه دهه‌ی (۶۰) یادواره (سینار) بزرگداشت مقام آن فیلسوف اسلامی و صاحب تفسیر نفیس و جامع المیزان، تحلیل‌هایی نادرست و انحرافی و قضاوت‌هایی غیرعادلانه و غیرکارشناسانه و نقدهایی غیرمنصفانه منتشر گردیده است.

بنابر وظیفه‌ی تبیین و روشنگری رسانه‌ای، اقدام به انعکاس نظر برخی از دست‌اندرکاران و کارشناسان فرهنگی در این رابطه گردید که در این شماره تقدیم خوانندگان گرامی می‌گردد.

سال ۱۹ / شماره ۵۴۳ / چهارشنبه ۲۶ آبان ۱۴۰۰ / ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۴۴۳ / ۱۷ نوامبر ۲۰۲۱

فعالان و مدیرانِ محترم فضا‌های مجازی

امان ... دهقان فرد



حاضر نمی شوند نسبت به «اتفاقاتی که» پیرامون شان رخ می دهد و ابهاماتی که مطرح می شود، حرکتی از خود نشان دهند، همان مصیبتی که در سطح جامعه نیز با آن روبرو هستیم و سال هاست موجبات «فریادهای روشنگرانه «و نگرانی های قاطعانه «ی رهبری عزیز جامعه ی اسلامی و ولایت امر الهی را فراهم نموده است. جالب است، بخش عمده ای از اینان، رسماً و سُغلاً! مسئولیت تبلیغ احکام و حفظ پایگاه های اخلاق، اسلام و نظام را بر عهده دارند؛ ولی همچنان که در دنیای واقعی ساکتند، فضای مجازی را نیز به نفع ابهام اندازان و شُبّه افکنان رها نموده اند!.. اطمینان داریم، همه مایان، به زودی مقابل ارواح شهادی که جان شان را برای مانایی اسلام، قرآن و ایران عزیز فدا نمودند، مقدمات ظهور آخرالزمانی را فراهم کردند و این امانت بزرگ و غیرقابل تکرار را بر دوش مان قرار دادند، بایستی پاسخ گو باشیم!..

ای کاش قبل از آن که بیش از این دیر شود،

–قدرِ این ایم را می دانستیم،

–تعارفات را کنار می گذاشتیم،

–از حرف ها، اظهارات و نظریات دیگران نمی

مگر این چه رازی است که خدا و فرشتگانش بر پیامبراعظم، سلام و صلوات می‌فرستند و مومنان هم به این کار نیکو دعوت می نمایند؟ در سخنان ائمه معصومین(علیهم السلام) برای ذکر سلام و صلوات بر پیامبر مهربانی ها و خاندان مطهرش برکات بسیاری ذکر شده است، که در اینجا به تعدادی اشاره می شود:

صلوات بهترین هدیه از طرف خداوند برای همه انسان هاست.

صلوات تخلق به اخلاق خداوند و اطاعت از امر اوست.

صلوات اعلام همنوایی و همصدایی با فرشتگان الهی هستند.

صلوات موجب خوشنودی و نزدیک شدن به خدا است.

صلوات ابراز علاقه به پیامبررحمت(ص) و سبب شفاعت آن حضرت است.

صلوات عبادت خدا و کفره گناهان است.

صلوات موجب خوشنودی همه انبیاء و فرشتگان الهی است.

چگونه با خدا و فرشتگان

الهی همنوا شویم؟

محمد بارونی

بی هیچ شک و تردیدی قرآن کتاب هدایت برای انسان هایی است که در جستجوی حق و حقیقت اند، چرا که این کتاب مقدس از سوی پروردگاری نازل شده است، که رحمان و رحیم است. در آیه ۵۶ سوره احزاب آمده است:
﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

همانا خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود و رحمت می فرستند. ای اهل ایمان! بر او درود فرستید و آنگونه که شایسته است، تسلیم او باشید. آری! مقام پیامبر خدا حضرت محمد(ص) آنقدر والاست که آفریدگار عالم هستی و تمام فرشتگان که به فرمان حق، تدبیر این جهان را بر عهده دارند، بر پیامبراسلام(ص) سلام و درود می فرستند. قرآن پس از اعلام صلوات و درود خدا و فرشتگان الهی، به مومنان نیز فرمان می دهد که شما نیز بر پیامبرخاتم(ص) درود بفرستید و به او سلام کنید، سلامی همراه با تسلیم و فرمانبرداری.

به یاد سردار شهید محمد حسین (مسلم) شیرافکن

آماج تیر و ترکش دشمن یعنی قرار گرفت.

عروج آسمانی برادر دلسوخته اش [محسن] غلبیانی در روح پر التهاب او بوجود آورد و سه روز پس از شهادت برادر ،سلاح فرو افتاده ی او را در مشت‌های آهنین خود فشرده بار دیگر راهی جبهه های نبرد حق علیه باطل گردید.

سردار شهید محمد حسین شیر افکن از جمله عاشقان اصلی است که هشت سال دفاع مقدس را به شوق شهادت زیست و با آنکه بارها با استنشاق گازهای مسموم دشمن تا سر حد شهادت پیش رفت اما گونی تقدیر آسمانی او درزمانی دیگر رقم خورده بود . در سال ۱۳۷۰ جهت آموزش دوره ی دافوس به تهران عزیمت کرد ولی مجروحیت شیمیائی توان فراگیری را از وی سلب کرده و اورا راهی بیمارستان ساخت . بیمارستان مسلمین شیراز در هجده آبان ۱۳۷۰ با مردی بدردو گفت که سالیان مدیدی از عمر پر نشیب و فراز خود را در جهاد و مبارزه گذراند. شهید شیر افکن پس از سالها تحمل درد فراق در سرانجامی سپید ، بال در بال ملائک ، ملکوت آسمان را در نوردید و عاشقانه به خیل شهدای هشت سال دفاع مقدس پیوست.

فرازی از وصیتنامهٔ شهید :

اگر روحانیت تضعیف شود اسلام شکست می خورد، تا می توانید این روحانیت عزیز را پشتیبانی کنید، خدای

سهرسب

اوقات شب‌ها

تربسیدیم،

–به ندای ولیّ امر زمانِ مان گوشِ جان می سپردیم،

–محافظه کاری، تبیل بازی و از متن به حاشیه روی را اختیار نمی کردیم،

–صدای مظلومیت نظام اسلامی و تهاجم سهمگین دشمنان بیرونی و نفوذیان داخلی اش را می شنیدیم،

– و ، بیش از این، حضورِ چهره ی نورانی، جسمِ ذخیره انبیای الهی، گلِ نرجس و فرزند زهرا و رسولِ وحیانی، در پَس پرده ی غیبت طولانی را تحمل نمی کردیم و برای آشکار شدن خورشید عالمتاب و طلوع گرمابخشِ آن فریادرس آخرالزمانی، علاوه بر دعا و تضرع همیشگی، عملاً نیز،

–احساس تکلیف می کردیم،

–آستین ها را بالا می زدیم

–و با تمام «وجود»، «عَده» و «عَده» وارد میدان می شدیم!..

۲۱/آبان ماه/۱۴۰۰

صلوات باعث رستگاری در دنیا و آخرت و سبب رفع نفاق و دوگانگی است.	
صلوات بهترین اعمال در قیامت و سبب پاکیزه شدن اعمال است.	
صلوات موجب درک رحمت الهی و سبب قبولی طاعات و عبادات است.	
صلوات سبب پاک شدن مجالس از گناه و خلاصی از غیبت است.	
صلوات موجب توانگری و بیاد آمدن فراموشی هاست.	
صلوات باعث سنگینی میزان اعمال و نور و روشنی بسیار در قیامت است.	
صلوات جواز عبور از صراط است. ...	
«از امام صادق(ع) نقل شده که هرکس حاجتی دارد باید اول صلوات برمحمد و آل محمد بفرستند و بعد حاجت خود را از خدا طلب کند و درآخر دوباره صلوات بفرستد، زیرا خدا کریم تر از آن است که دو طرف دعا را قبول کند و وسط دعا را قبول نکند. « پس چقدر زیاست که همیشه زبان انسان مشغول به ذکر صلوات باشد و فضای جامعه و محیط کار خود را معطر به صلوات نماید.	
برایم عجیب بود که انهم نیروی تدارکات و خدمه چرا مسلم ؟	
آخر مسلم را آچار فرانسه لشکر می گفتند *پیک فرماندهی لشکر۱۹ فجر* و ...	
در همان تاریکی هوا با هم سلامی و روبوسی کردیم و گفتم تو چرا و کجا بودی ؟ تنها یک جواب داد الان خسته ام پشت بیستم شنیدم بچه ها به قایق نیاز دارند *معطل نکردم خودم اوردم* جایی هست که بخوابم سنگری نشانش دادم تا استراحت کند.	
روحش شاد و یادش گرمی	
حسین پیروان ۱۸ آبان ۱۴۰۰	
 جهرم آبان ماه، ۳۰ امین سالگردعروج سردار شهید مسلم شیرافکن گرامی باد	

اخبار شهرداری کازرون

مجمع خیران نخبه‌پرور فارس بود.

به گزارش روابط عمومی شهرداری کازرون، مهندس رضا نوذری شهردار کازرون شناسایی نخبگان در سطوح مختلف را امری لازم و ضروری خواند و گفت: شناسایی نخبگان باید از کودکان شروع شود، چرا که اگر آنها مشوق پیدا کنند قطعا آینده کشور که به دست آنها ساخته خواهد شد، آینده‌ای روشن و پر از امید خواهد بود.

مهندس نوذری با استقبال از پیشنهاد دکتر شریف مبینی بر ایجاد مکان ثابت جهت شناسایی نخبگان در کازرون اظهار کرد: شهرداری و شورای اسلامی شهر آماده است در حد توان در این زمینه با مجمع خیران نخبه پرور همکاری کند.

مدیر مجمع خیران نخبه پرور فارس اهداف مجمع را تشریح کرد و گفت: در راستای گسترش فعالیت‌های مرکز و در جهت عدالت محوری با توجه به اینکه در کازرون نخبگان زیادی وجود دارد قصد داریم مرکزی تأسیس کنیم تا این نخبگان تشویق و ساماندهی شوند و در ادامه با معرفی آنها از پتانسیلشان در کارهای اجرایی استفاده شود.

محسن روزبهی رئیس شورای اسلامی شهر نیز در سخنانی اظهار کرد: کازرون پر از نخبه و استعداد است که متأسفانه خیلی از آنها ناشناخته مانده اند و تنها در صورتی که در سطح ملی و جهانی جایگاه و مدالی کسب کنند از طریق رسانه‌ها اطلاع پیدا می‌کنیم که کازرونی بوده‌اند.

وی شورا را یک نهاد مردمی دانست و ادامه داد: یکی از وظایف اصلی شورای اسلامی شهر، بررسی نیازمندی‌های جامعه است که شامل موارد متعدد از جمله حوزه فرهنگی، اجتماعی، بهداشتی و درمانی و عمرانی است یعنی وظایف شورای اسلامی تنها محدود به امور روزمره در مدیریت شهری نیست.

روزبهی فرهنگ‌سازی را یکی از موضوعات مهم شورای اسلامی شهر برشمرد و گفت: راگر برخی از مسائل در حوزه فرهنگ به موقع حل نشود ممکن است در آینده مشکلاتی را به وجود بیاورد که حتی سالها هم نتوان آن را حل کرد و هدف اصلی ما در حوزه مدیریت شهری این است که فرهنگ اصیل منطقه از بین نرود.

وی ابراز امیدواری کرد که با ایجاد مجمع خیران نخبه پرور و با شناسایی و حمایت از نخبگان زمینه رشد و شکوفایی بیش از پیش آنها فراهم شود و این نخبگان بتوانند منشأ خیر و برکت برای جامعه باشند.

سپس دکتر فاضل نیا رئیس دانشگاه سلمان فارسی دانش و نیروی انسانی را پایه و اساس



اختصاص بیش از یک میلیارد تومان برای بازسازی اتوبوس‌های درون شهری کازرون

سرپرست سازمان مدیریت حمل و نقل شهرداری کازرون از اختصاص یک میلیارد و ۲۵۰ میلیون تومان جهت بازسازی اتوبوس‌های درون شهری خبر داد

به گزارش روابط عمومی شهرداری کازرون، محسن یزدانی با اعلام این خبر گفت: با پیگیری‌های شهردار، اعضای شورای اسلامی و مجموعه سازمان مدیریت حمل و نقل شهرداری، مبلغ ۸۷۵ میلیون تومان اعتبار بلاعوض دولتی به بازسازی اتوبوس‌های درون شهری اختصاص یافت.

وی ادامه داد: علاوه بر این مبلغ، با رایزنی‌های انجام شده، ۳۷۵ میلیون تومان دیگر نیز از محل بودجه شهرداری کازرون برای این منظور تخصیص یافته که مجموع اعتبار این طرح را به حدود یک میلیارد و ۲۵۰ میلیون تومان اعتبار افزایش می‌دهد.

سرپرست مدیریت حمل و نقل شهرداری کازرون اضافه کرد: در قالب این طرح، بازسازی و رنگ آمیزی کامل اتاق و بدنه این اتوبوس‌ها انجام خواهد شد.

یزدانی همچنین تصریح کرد: با توجه به شرایط آب و هوایی کازرون در فصل گرما و جهت رفاه حال شهروندان، در مرحله بعد خرید و نصب سیستم سرمایشی بر روی این پنج دستگاه اتوبوس انجام خواهد گرفت.

رایزنی برای ایجاد مرکزی جهت شناسایی نخبگان با حضور مدیر مجمع خیران نخبه پرور فارس در شهرداری کازرون

شهرداری کازرون در جلسه‌ای میزبان مدیر

توسعه در جامعه دانست و تصریح کرد: این نیاز وجود دارد که یک مجموعه به صورت قانونی و رسمی برای حمایت از نخبگان در کازرون ایجاد شود تا نخبگان بتوانند نقش خود را به خوبی ایفا کنند و همین نیاز ایجاد می‌کند که همه مسئولان شهرستان با هم همکاری کنند.

شهردار کازرون در بازدید موسسه نگهداری از کودکان بی سرپرست:

جایگاه و ارزش کار مربیان کودکان بی سرپرست در پیشگاه خداوند متعال بسیار ارزشمند است

شهردار کازرون جایگاه و ارزش کار مربیان و دست‌اندرکاران این موسسه را در پیشگاه خداوند متعال ارزشمند و والا توصیف کرد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری کازرون، شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر کازرون با حضور در مجموعه امام علی(ع) با مربیان و کودکان نگهداری شده در این مجموعه دیدار کردند. در این دیدار شهردار کازرون ضمن تشکر از زحمات و تلاش‌های مدیران و مربیان موسسه ریحانه و امام علی(ع) در راستای تعلیم و تربیت این کودکان گفت: بی شک جایگاه و ارزش کار شما مربیان در پیشگاه خداوند متعال بسیار ارزشمند است چرا که بیشتر وقت خود را صرف پرورش این شکوفه‌ها می‌کنید.

مهندس رضا نوذری با اشاره به وظایف شهرداری در حوزه اجتماعی ادامه داد: شهرداری و شورای اسلامی به عنوان خادمان شما آماده هستند تا در راستای رفع برخی از مشکلات و نیازمندی‌های این دو موسسه تا حد امکان همکاری کنند.

وی همچنین به کودکان هر دو موسسه قول داد که در صورتی که نقاشی آنها که مورد تایید باشد، این نقاشی‌ها برای دیوارهای سطح شهر مورد استفاده قرار گیرد.

رئیس شورای اسلامی شهر کازرون نیز اظهار کرد: بهترین و لذت‌بخش‌ترین جلسه‌ای که در شورای قبلی داشتم، حضور در جمع این کودکان عزیز بود و احساس می‌کنم این جلسه هم یکی از بهترین روزه‌های زندگیم خواهد بود.

محسن روزبهی ضمن تشکر از مدیران و مربیان موسسه امام علی(ع) و ریحانه گفت: بهترین جمله در وصف هم نوع بودن این سخن سعدی است که می‌فرماید همه از یک گوهر و یک پیکر هستیم، اگر عضوی به درد بیاید، دیگر عضوها هم ببقرار و رنجور می‌شوند پس همه ما باید درک متقابل و حس مسئولیت نسبت به هم داشته باشیم.

وی با اشاره به اینکه در کار خیر هیچ مرز و محدودیتی وجود ندارد، خاطر نشان کرد: مطابق فرموده پیامبر اکرم(ص) تنها وجه تمایز انسان‌ها تقواست و هیچ کس بر دیگری

برتری ندارد، همه برادر و برابر هستند پس باید در زندگی هرچیز را که برای خود می‌پسندیم برای دیگران هم بپسندیم.

روزبهی در پایان از زحمات دکتر آذری که بدون هیچ چشمداشتی به این کودکان خدمت می‌کند تشکر کرد و از کودکان موسسات خواست تا با تلاش و کوشش در جهت کسب مدارج عالی، از زحمات مربیان خود قدردانی کنند.

رئیس هیئت امنای موسسه هم ضمن تشکر از حضور شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر در موسسه امام علی(ع) گفت: حضور مسئولین در بین این کودکان باعث دلگرمی آنها خواهد شد.

دکتر قاسم آذری با اشاره به اینکه کازرون دارای دو مرکز نگهداری از کودکان بی سرپرست است، اظهار کرد: تعداد ۲۸ نفر در این دو مرکز بر اساس رنج سنی ۱۲ سال به پایین و ۱۲ سال به بالا به صورت شبانه روزی نگهداری می‌شوند و ۱۲ نفر خانم شامل مدیر، مربی، مددکار اجتماعی و آشپز در این دو موسسه مشغول به کار هستند.

وی در ادامه ضمن تشریح مشکلات و نیازمندی‌های این دو موسسه، از شهردار، اعضای شورای اسلامی شهر و خیرین درخواست کرد تا به منظور کمک به آینده این کودکان، در رفع مشکلات آنها و این موسسات قدم پیش بگذارند و مشارکت کنند.

تعمیرات و استانداردسازی جایگاه های CNG شهرداری کازرون

کار تعمیرات جایگاه سی‌ان‌جی شماره دو و استانداردسازی جایگاه شماره یک جایگاه سی‌ان‌جی شهرداری کازرون به پایان رسید.

به گزارش روابط عمومی شهرداری کازرون به منظور ارتقای سطح ایمنی و با هدف پیشگیری و کاهش حوادث ناشی از استفاده از گاز طبیعی فشرده (CNG)، کارهای لازم جهت استانداردسازی جایگاه شماره یک شهرداری از جمله تست هیدرواستاتیک مخازن و کالیبراسیون طبق اصول ایمنی به انجام رسید و به این ترتیب، این ایستگاه در آستانه دریافت تاییدیه استاندارد قرار گرفته است.

به روز رسانی و اقدامات فنی استانداردسازی این جایگاه پس از یک هفته کار فشرده و فنی انجام شد و هم‌اکنون این دو جایگاه سی‌ان‌جی با وضعیت مطلوب مشغول خدمت رسانی به شهروندان است.

همچنین در ایستگاه شماره دو نیز اقدامات فنی در راستای تعمیر، نگهداری و به روزرسانی جایگاه، نصب برد و اسموک دیتکتور(سیستم تشخیص دود) انجام شد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری کازرون، این عملیات‌ها به صورت دوره‌ای انجام می‌شود و شامل مواردی چون تست کالیبراسیون شیرهای اطمینان، ترمومترها و فشارسنج‌ها



به بهانه‌ی بیست و چهار آبان، یادِ از کنگره‌ی علامه آیت‌الله سید محمدحسین طباطبایی؛

کنگره‌ی علامه‌ی طباطبایی نقطه‌ی عطفی در تاریخ فرهنگ شهرستان کازرون در یکصد سال اخیر

حاج حسین جمشیدی

حاضر صدها طلبه که در بین آن‌ها نویسنده و محقق کم نیستند، از جمله دستاورهای این کنگره بود. شکوفایی استعدادهای شعر و شاعری در جمع جوانان مستعد شهرستان با حضور در محفل شب‌های شعر جداً چشمگیر بوده و آثار بسیاری در ابعاد مختلف به خصوص حماسه‌ی رزمندگان در سرودهای آئینی شاعران جوان کم نیست.

هرچه بخواهیم از دستاوردهای این ایام مبارک و پربرکت بگویم و بنویسیم باز هم کم است. فقط باید غبطه بخوریم که آیا می‌شود تکرار این رویداد باز هم در شهر ما پدیدار بشود.

در آن زمان یک انسجام و اتحاد و همدلی گسترده و کم‌نظیر در میان همه‌ی اقشار و ارگان‌ها و نهادها حاکم بود و لذا همه‌ی مسئولان و دست‌اندرکاران دست به دست هم می‌دادند، به همان‌گونه که در اعزام رزمندگان جان برکف کوشا بودند و در این راستا هم دریغ و کوتاهی نداشتند. همه یک دل و یک زبان چون ید واحدی فعالیت داشتند و لذا با کمترین امکانات آن زمان به خصوص که از جنبه‌ی سمعی و بصری و اطلاع‌رسانی جداً ضعیف بودیم، چنین کار بزرگ و سترگ و ماندگاری را با عشق و علاقه‌مندی شدید و بی‌وقفه انجام دادیم. چراکه با اتحاد و همدلی می‌توانیم کارهای بزرگی انجام دهیم و بر همه‌ی مشکلات غلبه کنیم.

یاد و خاطره‌ی همه‌ی عزیزانی که طی این ده سال در هر سمتی بودند و اینک در جوار رحمت الهی به آرامش ابدی رسیده‌اند، گرامی می‌داریم. درود خدا و ملائکه‌ی بر به روح تابناکشان باد؛ آنانکه بدون هیچ‌گونه چشمداشتی کار کردند و کار می‌کنند و همیشه امیدوار به خدای قادر و متعال هستند.

و ما توفیقی الا بالله العلی‌ العظیم.



سنت حسنه به عنوان الگو از کازرون در شهرهای خود طی سالیان بعد با برگزاری اینگونه کنگره‌ها بار علمی- فرهنگی دیارشان را ارتقا دادند.

طی این مدت محدود اهل علم نه تنها جذب مراکز دانشگاهی شدند، بلکه صدها جوان با دیدار شخصیت‌های حوزوی جذب حوزه‌های علمیه شدند و در حال

در آن زمان کازرون نه هتلی داشت، نه مهمان‌سرای. این شخصیت‌ها در دو مکان حوزه‌ی علمیه‌ی مکتب‌الصادق (ع) و مکتب‌الزهرا اسکان یافته و مورد پذیرایی قرار می‌گرفتند؛ طی سه روز و سه شب در کمال سادگی.

بد نیست که این موضوع را یادآور شوم که در یک اتاق ساده‌ی ۱۶ متری چهار تن از شخصیت‌های علمی، دانشگاهی حضور داشتند. اسامی این آقایان علی شریعتمداری، دکتر شهیدی، سروش و علی قائمی بود. بسیار ساده و بی‌پیرایه در سالن مکتب‌الزهرا سفره انداخته می‌شد و همه‌ی مهمانان از اساتید تا خدمتگزاران در کنار هم به صرف غذای ساده مشغول می‌شدند و هرگز دیده نشد که این عزیزان حتی یک‌بار اعتراض نمایند. همچون صدر اسلام در کمال سادگی و رضایت و آرامش خاطر بودند و این ساده‌زیستی خودش یک الگو و سرمشق برای هرنوع فکر و سلیقه بود.

در آن زمان کازرون دانشگاهی نداشت و فقط دارای دو واحد دانشسرای تربیت معلم خواهران و برادران بود و یکی از دستاوردهای این کنگره‌ی ده ساله، تأسیس و ایجاد چندین دانشگاه با بیش از ۱۶ هزار دانشجو در ده‌ها رشته در حال حاضر است که مشغول به تحلیات عالییه هستند. از آن پس کازرون به عنوان یک قطب علمی- فرهنگی جا افتاد و شناخته شد، زیرا طی این ده سال از همه‌جای کشور به خصوص مراکز استان‌ها از استادان شعر تا ائمه‌ی جمعه، فرمانداران و هیئت علمی‌های دانشگاه یا رؤسای آن‌ها، از شیراز، اصفهان، کرمان، مشهد و تبریز در کازرون حضور داشتند و مهمان مردم خونگرم و فرهنگ‌دوست بودند و آن‌ها نیز از این

تشکیل گردید؛ شامل کمیته‌ی فرهنگی، تدارکات، تبلیغات، استقبال.

کمیته‌ی تبلیغات به منظور دعوت از شخصیت‌های وزین حوزه و دانشگاه و نویسندگان و شعرای ممتاز و با تهیه‌ی دعوت‌نامه به امضای امام جمعه، فرماندار، نماینده‌ی مردم در مجلس شورای اسلامی و مهر و امضای مسئولان کلیه‌ی نهادها و ارگان‌های فرهنگی و دوائر مرتبط، به برادران حاج‌آقا سید علی‌اکبر مسعودپور کرمانی، محمد مرحمتی، نصرالله مردانی شاعر معاصر که در تهران و شهرهای بزرگ مراکز استان‌ها و نزد بزرگان حوزه‌ی علمیه‌ی قم و دانشگاه‌ها از موقعیتی خاص و محبوبیت برخوردار بود، به اتفاق محمدحسین جمشیدی مسئول ستاد نماز جمعه مأموریت داده شد تا به شهرهای شیراز، اصفهان، قم و تهران عزیمت نموده و از شخصیت‌های مطرح آن زمان دعوت به عمل آید.

از سال اول برگزاری کنگره تا آخرین سال با حضور شخصیت‌های علمی- فرهنگی حوزه و دانشگاه هر سال بر شکوه و عظمت فرهنگی و علم و دانش شهرستان افزوده می‌شد. به حق می‌توان ادعا کرد که بیشتر از ۹۰٪ شخصیت‌های مملکتی از حوزه و دانشگاه طی این ده سال شهرستان کازرون را مزین به قدم مبارکشان نمودند که بنا به اختصار اسامی آن سروران گران‌قدر می‌آید:

الف) شخصیت‌های حوزوی: حضرات آیات حسن‌زاده آملی، مکارم شیرازی، جعفر سبحانی، محمدی گیلانی، آذری قمی، خزعلی، جنتی، علی دوانی، محمدتقی جعفری، فاکر، خرم‌آبادی، حائری شیرازی، سید محمد حسینی، محقق داماد.

ب) شخصیت‌های دانشگاهی: سید جعفر شهیدی، حدادعادل، علی شریعتمداری، علی قائمی، علی‌اکبر پرورش، رزمجو، غلامحسین دینانی، عبدالکریم سروش.

ج) شعرای ممتاز: بهجتی شفق، حمید سبزواری، قدسی، علی معلم دامغانی، سپیده کاشانی، طاهره صفارزاده، مشفق همدانی.

این مجموعه‌ی با برکت و ارزشمند علمی، فرهنگی، عرفانی طی ده سال در کازرون حضور پیدا نموده و با نفس گرمشان مردم تشنه و فرهنگ‌دوستان را به فیض می‌رساندند.

در سال ۱۳۶۱ دومین سالگرد رحلت علامه سید محمدحسین طباطبایی صاحب تفسیر گران‌سنگ المیزان به یاد این عالم و فقیه عالی‌قدر، طی ده سال متممادی از سال ۶۱ تا ۷۰ کنگره‌ی بزرگداشتی با حضور جمعی کثیری از فضلا و دانشمندان و شعرای برجسته‌ی کشور از حوزه‌ی علمیه و دانشگاه‌ها به مدت سه شبانه‌روز از تاریخ ۲۲ لغایت ۲۴ آبان‌ماه برگزار می‌شد با اثراتی ماندگار آن هم در بُعد علم و فرهنگ که می‌توان با جرأت ادعا کرد که نقطه‌ی عطفی در تاریخ یکصد ساله‌ی فرهنگ شهرستان کازرون بود. آن هم در موقعیتی که کشور سخت درگیر مشکلات عدیده که اهم آن جنگ ناخواسته‌ی هشت ساله بود، همچنین درگیری با گروهک‌های معاند، ترورهای کور و ناجوانمردانه‌ی گروهک منافقین و به شهادت رسیدن شخصیت‌های کم‌نظیر و ارزشی که سران انقلاب اسلامی از ائمه‌ی جمعه‌ی مراکز استان‌ها تا شخصیت‌هایی بی‌بدیل مانند شهید بهشتی، رجایی، باهنر، مطهری، قدوسی و ... و همچنین سرداران و امیران لشکری. بمب‌گذاری‌ها در نماز جمعه، بازارها، میادین، حرم امام رضا و صدها مشکل و گرفتاری‌های داخلی و توطئه‌های خارجی؛ یعنی در طول دهه‌ی اول پیروزی هر روز و هر سالش درگیری و جنگ و ترور بود. در چنین حالتی با رهبری پیامبرگونه‌ی امام خمینی (ره)، علی‌رغم همه‌ی این مشکلات روز به روز بر وحدت و انسجام و یکپارچگی و ایثار و فداکاری مردم افزوده می‌شد. وضعیتی که دچار هر مملکت و کشوری می‌شد، مسلماً از پا درمی‌آمد. لکن ما همواره دست از پیشرفت برنداشته و با امید رو به جلو بودیم.

در سال ۶۰ مفسر کبیر قرآن و شخصیت کم‌نظیر عالم اسلام و تشیع علامه آیت‌الله سید محمدحسین طباطبایی (ره) ره رحمت حق پیوسته و به سوی آسمان‌ها پرواز نمودند. به همین مناسبت از سوی امام جمعه‌ی وقت آیت‌الله شیخ اسدالله ایمانی که از شاگردان آن فقیه عالی‌قدر بودند، مجلسی برگزار گردید که موجب استقبال آحاد مردم قرار گرفت. چند سالی گذشت و فکر برگزاری کنگره‌ی بزرگداشت علامه در ذهن امام جمعه نقش بست. جلسات هم‌اندیشی تشکیل شد و به این نتیجه رسیدند که هر سال در آبان‌ماه مراسم یادبودی در قالب یادداده یا کنگره برگزار شود. به همین منظور از شهریورماه سال ۶۱ کمیته‌های مرتبط با کنگره

از برکات علامه

مهدی تقی‌نژاد

تا پیش از سال ۱۳۶۰ که سالن ورزشی شهید حسن اعتمادی در کازرون ساخته شد. کازرون سالن ورزشی نداشت. اصلاً سالن نداشت. نه سالن ورزشی که هیچ سالن آبرومندی که بتواند جمعیتی را زیر سقف خود نگه دارد نداشت. سالن دکتر شریعتی در اداره آموزش و پرورش که یادگار دوران مدیریت غلامرضا رهایی بود و در آن، هم نمایش اجرا می‌شد؛ هم فیلم پخش می‌شد و هم محل برگزاری مراسم و سخنرانی بود و قادر نبود جمعیتی بیش از ۳۰۰ نفر را آن هم به صورت فشرده در خود جای دهد. سالن سینمای امینی هم شرایطش بدتر و غیر قابل تحمل‌تر از این سالن بود.

امکانات شهر کازرون هم گفتن نداشت. نه دانشگاه داشت، نه حوزه علمیه تجدید بنا شده بود و نه هتل و نه مرکز فرهنگی و هنری و نه حتی

علمیه کازرون تجدید بنا و از زیباترین و بهترین مدارس کشور شد. دانشگاه‌ها یکی یکی در کازرون تأسیس شدند و کازرون به شهری دانشگاهی تبدیل شد. امروز اگر قرار باشد سمیناری برگزار شود دیگر دغدغه سالن و محل برگزاری نیست. دیگر دغدغه خوابگاه و محل استراحت میهمانان نیست. دیگر قرار نیست استادان و دانشجویان میهمان در کلاس‌های دبیرستان بستانپور شب به صبح برسند. دیگر قرار نیست از سقف سالن آب چکه کند. اما برگزاری چنین سمیناری اراده‌ای سترگ می‌خواهد اراده‌ای و توانی که بتواند چهره‌های نامدار را گرد هم بیاورد. عبدالکریم سروش و حداد عادل و مصباح‌یزدی و حسن زاده آملی را در یک اتاق کنار هم بنشانند. بتواند با دستان خالی و با هم‌افزایی نیروها و داشته‌های مردمی، هنرمندان بی‌توقع و کارکنان از خودگذشته اداره‌ها چنین رویداد فرهنگی درخشانی را رقم بزنند. بتواند بار دیگر نام کازرون را در عرصه معرفت و دانش بر سر زبان‌ها بیاورد. چیزی که سال‌هاست از آن دور مانده‌ایم.

علامه سید محمدحسین طباطبایی از اعجوبه‌های روزگار ما و با از اعجوبه‌های خلقت این امتیاز را به کازرون داد تا نام و یادش در شهر پراکنده شود و در میانه‌های برگریزان، بهار را به کازرون هدیه داد. علامه طباطبایی هیچ نسبتی با کازرون نداشت اما کازرون هم کارزونی‌ها این هوشمندی را داشتند که نسبت خودشان را با او تعریف و خود را از علاقه‌مندان و دل‌بستگان او معرفی کنند. شخصیت‌هایی به کازرون آمدند تا از علامه طباطبایی بگویند اما با کازرون هم آشنا شدند و از کازرون هم گفتند. از علم دوستی و عالم‌پروری کازرون هم شنیدند و گفتند. از این که شهری که در آن سال‌ها وسعت چندانی نداشت اما روح مردمانش وسیع، ستودنی و بلند پروازانه است.

میهمانان سمینار علامه طباطبایی فقط از حوزه علمیه نبودند! از دانشگاه‌های سراسر کشور هم بودند. از مسوولان وزارت علوم و آموزش و پرورش هم بودند. آن‌ها دیدند این شهر در پوست خود نمی‌گنجد و بال‌هایی بزرگ‌تر می‌خواهد. مدرسه

نشریه‌ای بود. مهم‌ترین مراکز آموزشی کازرون دبیرستان‌ها و نامدارترین آن‌ها دبیرستان شهید بستانپور بود. سایه جنگ هم چنان سنگین بود که باید تمام هوش و حواست را به جنگ می‌دادی تا قافیه را نبازی. آن هم در کازرون که جوانانش از روز اول و زودتر از همه خودشان را به سوستگرد و هویزه رسانده بودند. در این شرایط پیچیده که بهانه کار نکردن فراهم‌تر از کار کردن بود یافتن موضوعی که بتواند به شهر و مردم آن جان تازه‌ای ببخشد چندان ساده نبود. موضوعی که بتواند محوری باشد تا بزرگان علم، فرهنگ، اندیشه، فقه، فلسفه، تفسیر، عرفان و ادبیات را زیر سقفی بیاورد که بهانه ساختن آن ورزش بوده و نه هیچ کدام این‌ها. بزرگانی که تصور جمع کردن آن‌ها حتی در مهم‌ترین مراکز علمی و فقهی کشور نیز ساده نیست. این اتفاق اما در کازرون افتاد. نه یک سال و دو سال که نه سال این سالن کوچک و بی‌امکانات که گاه در روزهای بارانی آبروداری نمی‌کرد پذیرای این بزرگان بود.



مفسّر قرآن بود و مایه افتخار جهان اسلام و عالم تشیع. علامه طباطبایی را می‌گویم، همان احیاگر سنت و سیره پیامبر اعظم (ص). همو که از برجسته‌ترین مفسرین قرآن بود و در زهد و تقوا، شخصیت بی‌نظیر قرن اخیر. همان عارف مفسری که مربی و پرورش دهنده دانشمندان صاحب نامی همچون استاد شهید مرتضی مطهری، آیت الله دکتر بهشتی و آیت‌الله جوادی آملی بود.

برگزاری سمینار علامه طباطبایی؛ در جهت ارتقاء سطح فرهنگی و اجتماعی شهرستان کازرون

مصطفی بخرد

سمینار علامه طباطبایی در کازرون یکی از رخدادهای کم نظیر علمی و فرهنگی دهه ی شصت بود که در جهت ارتقاء سطح فرهنگی و اجتماعی شهرستان کازرون تاثیر شگفت انگیز و بی نظیری داشت.

این کار عظیم موجب شناخت و ارتباط علماء و اندیشمندان کشور با ظرفیت های فکری و فرهنگی شهرستان و همسوئی مدیران ارشد استانی در همراهی با مدیران بومی و تسهیل خواست ها و نیازهای آن زمان بود از دیگر اثرات این همایش به معرفی یک اندیشمند کم نظیر قرن که در قرن اخیر هم شارح اندیشه صدراپی و هم تبیین کننده مسیر فلسفه اسلامی در مقابل فلسفه غرب بود.

علامه ای که خود بنیان فکری مسلمین اندیشمند را متناسب با نیازهای زمان جهان اسلام پاسخ گفته و استحکام منطق حاکم بر قرآن را در بین مسلمانان هزاره دوم با تفسیر گرانسنگ قرن (المیزان) به اثبات رسانده بود.

پرداختن به اندیشه فیلسوفی که از بعد از ملاصدرا جهان اسلام بخود ندیده بود نشان از یک انتخاب بجا و ماندگار در عصر خود باید بشمار آورد. اما نکته قابل تأمل اینکه درک و فهم این اندیشه خود نیاز به سطحی از اطلاع و ادراک دارد که بجاست صاحب نظران وارد به حوزه فلسفه و عرفان در حوزه فکر و فرهنگ به آن بپردازند. این مختصر فعلا بعنوان مقدمه ای هرچند مختصر و ناقص فقط برای هدایت اذهان تقدیم می‌گردد.

المیزان در میان تفاسیر چون کتاب ارزشمند جواهرالکلام است که همانند آن هم کمبود گذشتگان -- عیب و نقص -- را جبران کرد و هم زمینه ی تحقق آیندگان --تتمیم و تکمیل-- را فراهم ساخت.

اینها صحبت‌های آیت‌الله جوادی آملی، دربارہ ی اهمیت المیزان است.

استاد حسن زاده آملی هم می‌فرماید : تفسیر عظیم‌الشان المیزان که عالم علم را مایه ی فخر و مباهات است ،یکی از آثار نفیس قلمی و ام الکتاب مولفات اوست ، این تفسیر شهرحکمت و و مدینه ی فاضله ای است • علامه طباطبایی برای تفسیر المیزان آن هم در بیست جلد و به زبان عربی چقدر زحمت کشیده است و چند سال طول کشیده و چند سال مقدماتش را فراهم کرده ،حقیقتاً با عقل آدمی مثل بنده جور در نمی‌آید • علما حق دارند که بگویند: جامع‌ترین و مفصل‌ترین تفاسیر شیعی قرآن است که به زبان عربی در قرن چهاردهم هجری آن هم تفسیر قرآن به قرآن نگاشته شده است و انصافاً اگر سمینار علامه طباطبایی به همت مرحوم آیت الله ایمانی و مرحوم ناصر مردانی وعده ای از دوستان در کازرون برگزار نمی شد ،چندان معلوم نبود که آیا در جاهای دیگر و کسانی دیگر کمر خدمت وهمت به این مهم می بستند یا نه.

جمع کردن این همه عالم و دانشمند و فیلسوف و شاعر و علاقه مندان به علم و دانش در طول ۱۰ سال درشهری مثل کازرون که نه مرکز استان بود ونه پای تخت ، کاری بزرگ و قابل تقدیر است • چرا که خود این بزرگان هم به این خوبی و راحتی نمی توانستند و

یادی از یادواره

به بهانه فرارسیدن سالروز ارتحال حضرتش

مهدی پرویزی

آن عالم عابد و فیلسوف معتبّدی که منحصر به زمان خود نبود بلکه شخصیتی بود ماندگار در عالم اسلام و قرآن. شخصیتی که آیندگان، بیشتر از معارف او بهره مند خواهند شد. و چقدر ما و هم عصران مان خوشبخت و سعادتمند بودیم که چنین ستاره تابناک عرفان اسلامی در دوران زندگیمان درخشید.

آری او صاحب تفسیر شریف المیزان بود و چه زیبا، شهید مطهر آیت الله مرتضی مطهری ایشان را وصف می کند آنجا که می گوید: «او مرد بسیار عظیم و

جلیل القدریست، مردی که صد سال دیگر باید بنشینند و آثار او را تجزیه و تحلیل کنند و به ارزش او پی ببرند.

از جلوات حیات علمی ایشان همین بس که پروفیسور هانری کوربن فیلسوف مشهور فرانسوی را واله و شیدای خود نمود به گونه‌ای که طی سفرهای متعدد به ایران، از محضر حضرتش کسب فیض میکرد و حتی برخی از آثار ایشان را به غرب و اروپا منتقل نمود.

چقدر به یاد ماندنی است دهه ۶۰ شمسی کازرون. ده سال مداوم و پی در پی، آبان ماه کازرون رنگ و بویی دیگر داشت. کوچه ها و خیابانهای شهر عطراگین می شد. شمیع عرفان و معنویت،فضارا آکنده می کرد. دیار کازرون،منزلگاه شخصیت‌های علمی، فرهنگی از

سمینار علامه یک کار گروهی بی‌نظیر

محمد حسین خواجه زاده



داشت تا معرفی کازرون به عنوان شهرستان پیشتاژ و مؤثر در مسائل فرهنگی کشور حکومت نظامی در کازرون سه چهار سال قبل از برگزاری سمینار علامه (ره) این شهرستان را از نظر سیاسی و مبارزه با طاغوت در کانون توجه

من واژگون من واژگون من واژگون رقصیده‌ام/ من بی سر و بی دست و پا در خاک و خون رقصیده‌ام

زنده یاد نصرالله مردانی

این شعر مردانی سرودی شد که توسط دانش آموزان دبیرستان شهید بستانپور در سمینار علامه طباطبایی اجراء شد و با توجه به حال و هوای جنگ در آن دوران شور و هیجان زیادی بپا کرد . برگزاری سمینار علامه طباطبایی (ره) که با همت مرحوم آیه الله ایمانی رحمه الله علیه به مدت ۹ سال در کازرون برگزار شد یکی از رویدادهای بزرگ فرهنگی بود که برکات زیادی داشت از حضور علما و دانشمندان بزرگ حوزه و دانشگاه که تاثیر بسزایی در آشنایی اقشار مختلف مردم با معارف اسلامی و قرآنی



قرار داد و برگزاری سمینار باعث شد که از نظر فرهنگی هم در کانون توجه علما و دانشمندان قرار گیرد.

یکی از ابعاد مهم این سمینار مدیریت آن بود که عهده دار آن مرحوم آیه الله ایمانی بود و واقعا کم نظیر بود.

به نظر من این مدیریت از نوع مدیریت



نهضت علمی

کاظم دهقانیان فرد

اشعار این آدمها چه کار می کند.

بگذریم ،مهندس صالح پور که آن زمان ریاست دانشگاه آزاد به عهده داشت ،تعریف

می‌کرد که :در خرداد ماه ۱۳۷۳قرار بود که مقام معظم رهبری به استان کهگیلویه و بویراحمد تشریف بیاورند؛ مرحوم آیت‌الله ایمانی و بنده ودکتر پولادی بر آقای مرحمتی و چند نفر از دوستان دیگر تصمیم گرفتیم که هر طور شده با ایشان دیداروگفت وگو کنیم و مسائل کازرون مثل بیمارستان ودانشگاه مخصوصاً مساله ی جاده کازرون-- شیراز راکه دغدغه اصلی آقای ایمانی بود با ایشان در میان بگذاریم • هر طوربود توانستیم به وسیله ی آقای محمّدی گلپایگانی -- سر دفتر ایشان --بر رهبری تماس بگیریم و تقاضای دیدار بکنیم، بالاخره خود آقا به ما وقت دادند که فردا صبح هنگام صبحانه با ایشان دیدار کنیم؛ فردا صبح به خدمت ایشان رسیدیم، مقام مقام معظم رهبری به خوبی آیت الله ایمانی را می‌شناختند و با ایشان گرم گرفتند وباتفقدوا احترام بسیار او را کنار خود نشاندند؛ یکی از همراهان به مقام معظم رهبری گفت که آقای ایمانی در کازرون خیلی ادیت می شود، ایشان فرمودند : خب باید ادیت بشود، کسی که زیاد فعالیت می‌کند،باید مخالف داشته باشد • روحانی ای که فعالیتت ندارد، مخالفی هم نخواهد داشت.

همچنین ایشان ادامه دادند که علامه طباطبایی نه کازرونی بود و نه فارسی،اهل تبریز بود و آقای ایمانی در کازرون سمینار علامه طباطبایی را راه انداخت که

گوشه گوشه ی ایران بود،سوخته دلانی که دراین بزم باصفا،قلوب خود را با نام و یاد و سخن حضرت علامه جلا می بخشیدند.

براستی کدام حرکت فرهنگی از این زیباتر؟ چقدر بچه ها یکدل و یکرنگ و باصفا بودند. در این ایام کدورت‌ها کنار می‌رفت. همه و همه یکدل و باصفا به تدارک این سماع عرفانی مشغول بودند.

بجاست؛ در این مقوله به روان آیت‌الله ایمانی که در راستای معرفی الگو و اسوه های علمی به نوجوانان و جوانان شهر،سکان‌دار این جنبش فرهنگی بودند درود فرستیم.

بیست و پنجم آبان ماه هر سال،خاطره یادواره حضرت علامه طباطبایی(ره) در یاد شهرم کازرون و مردم با صفایش زنده میشود.

یادش بخیر!

مراسم تاسوعا و عاشورا بود. مدیریتی که همه در آن ایفای نقش می کنند؛ همه اقشار بودند روحانیون دانشگاهی ها هنرمندان شاعران فرهنگیان دانشجویان دانش آموزان اصناف مختلف کارگران و کشاورزان ادارات ارگان ها و نهاد های انقلابی نیروهای نظامی و انتظامی همه و همه بدون منت و با اخلاص آن دوران مشارکت داشتند.

حق ماموریت و اضافه کار و فوق‌العاده ای در کار نبود هم و غم همه تلاش برای بهتر برگزار شدن مراسم بود شور و اشتیاق همه جای شهر بود.

مهمانان از شهرهای مختلف استان و کشور حضور داشتند و به این تلاش مردم به دیده تحسین نگاه می کردند برگزاری این سمینار در موفقیت های فرهنگی شهرستان تاثیر بسزایی داشته است.

در واقع این سمینار یک نهضتی علمی بود که در کازرون بر پا کرد.

بعداز مدتی گفت وگو نشریه ی سلمان که آن موقع ماهنامه بود به دست ایشان دادند؛ سر تیر نشریه که نوشته بود: آتش بدون دود ،نظرشان را جلب کرد ؛آقای پولادی گفت که این سرمقاله درباره ی شهدای هفتم تیر است ، رهبری گفتند: بله می دانم کار فرهنگی یعنی این!!

هدف از آوردن این خاطره آن بود که بگویم :بهترین تعبیر از سمینار علامه طباطبایی همین ترکیب نهضت علمی است که ای کاش این سمینار و نظیر آن که با عشق و علاقه و با هزینه ی بسیار کم اجرا می‌شد، هنوز در کازرون ادامه داشت !!!

چرا که نه تنها علامه طباطبایی و المیزان را به ایران و دنیا معرفی کرد، بلکه شهرستان کازرون هم در قالب یک شهر علمی سر زبان بیشتر علما و دانشمندان و فرهنگیان و اهل علم انداخت و این شهر را که از قرن پنجم --زمان شیخ ابواسحاق-- و در قرن هشتم --زمان شیخ امین الدین-- که تا الان مهد علم و تمدن و عرفان بوده ،بیش از پیش معرفی کرد • در پایان ضمن دعا برای همه آنهایی که سمینار علامه طباطبایی را رقم زدند و ۱۰ سال زحمت کشیدند،امیدوارم که دیگر مسؤولان بازهم همت کنند و این گونه سمینارها و کنگره‌ها را در کازرون برپای دارند تا دوباره جنبش علمی وجوش و خروش ادبی در شهر راه بیفتد.

به امید آن روز.

چرایِ برپایی ۱۰ سال یادواره علامه طباطبایی(ره) در کازرون

علی زادافشار

علاقمند شب شعرهای یادواره بودند که از شاعران برجسته کشور و استان بهره می‌برد و یا نوجوانان که طرفدار گروه های سرود با سرودهای زیبا و پرمحتوای آن بودند و یا علاقمندان به بحثهای روشنفکرانه و حتی چیگرا مانند استاد عبدالکریم سروش(که این هم خود از برجستگی های یادواره بود که سخنرانان از یک طیف فکری خاص انتخاب نمی‌شدند بلکه از افکار و طرز فکرهای مختلف بودند) و از طرف دیگر هم انعکاس اخبار و سخنرانی های پرمغز یادواره بود که توسط صدا و سیمای استانی و کشوری صورت میگرفت و نه فقط اهالی شهرستان و منطقه بلکه مردم تشنه فرهنگ ناب اسلامی در استان و سراسر کشور از این حرکت فرهنگی بهره می بردند.

بدون شک تاثیر این حرکت فرهنگی همچون دیگر حرکت های فرهنگی آنی و فوری نبود، و نیاز به گذشت زمان بود تا همان جوانان و نوجوانان رشد کنند ، یا به عرصه های بزرگتر و وسیعتر جامعه بگذارند و اندیشه های ناب اسلامی را که از آن علما و دانشمندان گرفته بودند به عرصه ظهور و بروز بگذارند.

از دیگر نتایج و دستاوردهای یادواره ، احیاء ارزشهای فراموش شده اسلامی بود ، ارزش‌هایی همچون علم و تقوا و چهره های علم و تقوا.

جامعه ما اسلامی و انقلاببان هم اسلامی است؛ یعنی انقلاب ارزش ها ، یعنی دگرگونی ارزش های حاکم بر جامعه. ارزش های حاکم بر جامعه دیروز با ارزشهای امروز متفاوت بود و حالا وقت آن رسیده بود تا جوانان ما با این تفاوت ها بیشتر آشنا شوند؛ بطور مثال یکی از همین ارزش‌ها ، تکریم علم و تقواست ، تکریم عالم و تکریم متقی است. همانگونه که قرآن مجید می فرماید: (يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ) ، در این ایام جوانان ما هر چه بیشتر با ارزش علم آشنا شدند ، علوم مختلف را شناختند وزنه های علمی کشور را دیدند و با آنها آشنا شدند؛ نه فقط عالمان علوم انسانی ، بلکه علما و دانشمندان دیگر علوم راه و همچنین دیدند که تقوا در وجود انسان های عالم و فرهیخته چه غوغایی به پا میکند و با چهره های علم و تقوا بیش از پیش آشنا شدند. همان دستاورد دیگری که یادواره و دست اندرکارانش به دنبال آن بودند ، چهره‌هایی که مزین به زور علم و تقوا شده اند ، بایستی به جامعه معرفی شوند ، چرا که جامعه بدون شناخت الگوی کامل و جامع نمیتواند مسیر خودش راه انتخاب و راه درستی را تعقیب کند. هر قدر انسان عاقل و فهمیده باشد بدون داشتن الگو و نمونه نمیتواند قدم بردارد. بنابر این معرفی الگوهایی که وجود آنان از سرچشمه علم و تقوا سیراب شده همانند علامه طباطبایی(ره) نیاز ضروری جامعه امروزی ما بود تا مشتاقان کمالات به ویژه جوانان بدانند که ممکن است انسانی با نداشتن امکانات مالی و مادی آنچنانی هم میتواند به موقعیت علامه طباطبایی(ره) و یا دیگر علما و دانشمندان برسد.

از دیگر نتایج برگزاری ده سال یادواره؛ دستاوردهای اقتصادی ، اجتماعی و مادی آن بود که پرداختن به همه آنها هم فرصت و وقت کافی می خواهد و هم توان بیان آنها؛ که در حوصله این نوشتار و هم مطالعه خوانندگان عزیز نمی گنجد ، هر چند که {آب دریا را اگر نتوان کشید ، هم به قدر تشنگی باید چشید}

یکی از نکات جالب شور و حالی بود که در شهرستان ایجاد می‌شد ، مردم از چند ماه قبل از برگزاری مطلع

۲۴ آبان ماه هر سال سالروز درگذشت علامه بزرگ و مفسر کبیر قرآن حضرت استاد سید محمد طباطبایی (ره) و یادآور خاطره برپایی ۱۰ سال یادواره یا سمینار علامه طباطبایی(ره) در سال‌های ۶۱ تا ۷۰ در کازرون است. که جمعی از فرزندان این دیار گرد شمع وجود حضرت آیت الله حاج شیخ اسدالله ایمانی(ره) و با مدیریت ایشان یکی از رویدادهای فرهنگی کشور را در دوران دفاع مقدس رقم زدند.

هیچگاه فراموش نمیکنم که در همان سالهای برگزاری یادواره در شهرستان ، همین موضوع چرایی یادواره مطرح می‌شد و برخی می‌گفتند با توجه به مسئله جنگ و مشکلات عدیده کشور ، اهمیت طرح این موضوع در این مقطع حساس چیست مضافاً به اینکه مرحوم علامه طباطبائی(ره) هم اهل این دیار نبوده و هیچ سختیتی با منطقه و شهرستان کازرون هم ندارد؛ اما خیلی جالب است مروری داشته باشم بر پاسخی که حضرت آیت الله ایمانی(ره) چه در جلسات خصوصی و چه در سخنرانی‌های خود در همین یادواره مطرح مینمود ، ایشان می‌گفت: این گونه حرکات ، پشتوانه برنامه های مختلف جامعه است ، یعنی؛ یک حرکت نظامی ، یک حرکت سیاسی ، یک حرکت اجتماعی ، اگر پشتوانه فکری و فرهنگی لازم را نداشته باشد نمی تواند به عنوان یک حرکت مستمر در سطح جامعه دوام بیاورد؛ خیلی زیباست ، همین موضوعی که امروز به نام پیوست فرهنگی ، که از مفاهیم نوپدید است و در پی واژگان راهبردی (مهندسی فرهنگی) یا (مدیریت فرهنگی) توسط مقام معظم رهبری(مدظله العالی) مطرح شده و علاوه بر اینکه مورد توجه مراکز سیاستگذاری قرار گرفته ، اذهان بسیاری از مراکز علمی و تحقیقاتی و پژوهشگران را به خود معطوف نموده است. اما برای پی بردن به دلیل اهمیت همین پیوست فرهنگی توجه شما را به ادامه سخنان حضرت آیت‌الله ایمانی(ره) جلب می نمایم؛ ایشان می‌گفت: اگر می‌بینید دشمنان ما در مبارزه و رویارویی با انقلاب اسلامی ایران کاستکست خورده و در میدان‌های مختلف سیاست به عکس العمل های تدافعی افتاده‌اند ، اگر می بینید در جبهه ها رزمندگان پرتوان ما عرصه را بر استکبارجهانی آنچنان تنگ ساخته و می سازند که آمریکا با تمام یال و کوپالش به خلیج فارس می آید ، به دنبال این گونه حرکت ها و این گونه برنامه های علمی و فرهنگی در سطح کشور و گسترش بذر مذهب و دین در میان طبقات مختلف جامعه است.

یکی از نتایج و دستاوردهای این حرکت فرهنگی تاثیر فوق العاده و ارزشمندی بود که بر افکار و ایده ها و اندیشه‌های جامعه با خصوص جوانان این شهر و دیار و حتی مناطق مجاور گذاشت ، شاید لازم بود در همان مقدمه این نکته برای آشنایی هرچه بیشتر خوانندگان مخصوصاً جوانان عزیز مطرح میشد که یادواره در یک فضای هر چند معنوی اما پرجنب و جوش و پرهیجان برگزار میگرددید ، آنچنان که گاهی اوقات جا برای نشستن پیدا نمی شد ، آن هم در مکانی بزرگ و وسیع مانند سالن ورزشی که هم پلکانها و هم زمین اصلی سالن مملو از جمعیت فشرده می شد و دست اندرکاران مجبور به بستن درب ها می شدند که اکثر جمعیت را هم بعضاً جوانان علاقمند تشکیل می دادند ، همان جوانانی که بیشتر آنها بعدها به حوزه‌های علمیه و یا دانشگاه ها راه پیدا کردند و یا به جبهه ها رفتند و شهید شدند. البته موضوع به همین جا ختم نمی شد بلکه از یک طرف تنوع برنامه های یادواره آنچنان بود که علاقمندان متفاوتی داشت ، مثل هنرمندان که

شب یلدا در جبهه

حاج حسین پیروان

همه نیروها عقب نشینی کرده اند .به درون شهر پناه برده اند .کسی چیزی نمیدانند .همه میبھوتند در اینکه چه باید بکنند وچگونه راهی برای رهایی خویش از محاصره دشمن بیابند . و من نیز در این قافله، سر در گم ، همراه شب میروم تا به صبح برسم . اگر صبحی باشد ؟! برای یافتن جایی امن تا صبح ، پس از جابجا شدن در چند خانه از ترس اینکه دشمن کمین کرده باشد ، بالاخره در خانه ای مسکن گزیدیم .قرارمان به نگهبانی شد .تا دشمن ما را غافلگیر نکند و اگر تقدیرمان به رفتن است

شب یلدا



مشکلات مرتفع و مجوزهای لازم برای پیشرفت طرح های مختلف از عمرانی گرفته تا فرهنگی و حتی هنری اخذ می‌شد.

یکی از دستاوردها و نکات مثبت یادواره کمک و همراهی و همت اقشار مختلف در برگزاری آن بود؛ از بازاریان گرفته تا فرهنگیان ، دانشگاهیان ، ادارات و نهادهای و ارگانها و هنرمندان و حتی قشر جوان و نوجوان که هر کدام به نوبه خود گوشه‌ای از کار را به دست می‌گرفتند؛ به طور مثال همین هنرمندان شهرستان بودند که با مدیریت مرحوم نصرالله مردانی شاعر پرآوازه کشور بی نظیرترین شب شعرها را ترتیب می دادند ، همین هنرمندان بودند که بزرگترین و زیباترین دکورها را می ساختند و با گروههای سرور را راه می انداختند و همین ها دستمایه هایی شد برای انجام فعالیت های فرهنگی و هنری در شهرستان در سنوات بعد که می توان به برپایی کنگره بین المللی سلمان فارسی ، کنگره علامه دوانی ، یا جشنواره های مختلف و یادواره‌های ارزشمند شهدا اشاره نمود که به دست همان دست اندرکاران یادواره علامه طباطبایی (ره)؛ از پیشکسوتان آنها گرفته تا شاگردان و دست پرورده های آنها و یا همان جوانان و نوجوانان که بعدها بزرگ شده و با همان ایده و افکاری که از همان ایام گرفته بودند دست به کارهای علمی ، فرهنگی ، هنری و اجتماعی زدند.

هر چند مطلب به درازا کشید اما در پایان خاطره ای شیرین و با ارزش از یکی از سال های برپایی یادواره و یکی از سخنرانان ارزشمند آن سال ها که این روزها مصادف شده است با درگذشت آن عالم ربانی و سالک توحیدی یعنی علامه حسن زاده آملی(ره) که تاکنون کمتر بیان شده را تقدیم خوانندگان عزیز می نمایم ، باشد که بیش از پیش به ارزش و اعتبار این یادواره و مردم مومن و خداجویی این دیار پی ببریم.

حضرت استاد علامه حسن زاده آملی(ره) در اولین سخنرانی اش درسال های برپایی یادواره در آغاز سخنان خود پس از عرض ارادت به پیشگاه حضرت پروردگار و آستان مقدس نبی مکرم(ص) و اهل بیت طاهرین(ع) و اظهار احترام به کازرون و کازرونی‌ها و به ویژه حضرت آیت الله ایمانی(ره) و شکر توفیق شرکت در این محفل عرشی(که عین بیان ایشان است) این جریان را بیان داشت که:

آقایان که به قم تشریف آوردند و از بنده دعوت کردند ، از آن جهت که در روزهای تعطیلی هم در حوزه درس و بحث داریم خیلی {تَثِیْتُ} به کار آوردم (یعنی تأمل کردم ، توقف کردم) و قبول نکردم ، اما بر اثر اصرار و ابرام آقایان از ایشان وقت خواستم ، گفتم تا فردا اجازه بفرمایید که من در این باره تأملی بنمایم و قصد این بود که به ساحت مقدس قرآن دست دراز کنم و به زبان خودمانی استخاره ای بنمایم. مصحف عزیز را گشودم ، این آیه کریمه آمد: (وَلَا تَطْرُقُ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْعَدَاةِ وَالْغَشِيِّ) (آیه ۵۲ سوره انعام) ، مردمی که بام و شام خدایشان را می خوانند اهل الله هستند ، دست رد به سینه آنها مزن و خواسته ایشان را رد مکن.

این آیه مرا به اندیشه واداشت که مردم بزرگوار این مرز و بوم را اسراری است ، نهادی است ، واقعیتی است ، معنای این شهرستان دارد که چنین آیه ای دربارہ آنان آمده است ، عزم را جزم نمودیم و به خدمت شما تشرّف حاصل کردیم.

و السلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته

بیادردند اما با من نیستند . گاهی اگر گربه ای نیز در کوچه ویا خیابان پرسه زند صدای قدم دشمن میشنوم . باد نیز به کمک دشمن آمده بود تا با لرزش برگ های درختان ما نیز بلرزیم . همه چیز در اختیار دشمن بود یک محاصره تمام عیار . جالب اینکه ، از خوردن آب درون خانه نیز ترس داشتیم .نکند دشمن در آب سم ریخته باشد و مفت و مجانی بمیریم . گاهی برای تسکین خودم سری به پایین میزدم وباز به پشت بام میرفتم نه در اتاق آرام داشتم ونه روی پشت بام قرار . اولین شب[]یلدای جبهه لرا نه با نقل وشیرینی وآجیل و دوستان و خانواده گرم و....، که با ترس[] واضطراب وگرسنگی وتشنگی وبی خوابی و...گذراندم .

حسین پیروان

شب محاصره سوسنگرد آبان ۵۹

درونی با خود و محیط میگرد .

نگهبان اول رفت پشت بام و بعد نوبت من .در پشت بام وتاریکی وسکوت چیزی عایدت نمیشد ولی گاهی شلیک گلوله ای از طرف دشمن فضای آسمان را روشن کرده و سکوت را میشکست . ندانستن اینکه گلوله از کدام سمت است نگرانی را بیشتر میکرد . پایین آمدم تا نگهبان بعدی جایگزین شود . اما کسی امدادی نداشت . نمیدانم چرا ؟ ترس .خستگی .نیاز به خواب .گرسنگی (آخر ان روز ، تمام قد جلو نفوذ دشمن به شهر ایستاده بودیم) . دوباره برگشتم با هزاران افکار دیگر . نه خیابان را میبینی ونه کوچه ای ونه رهگذری ونه صدایی ونه جهتی برای فهمیدن موضع دشمن . هم سرما و هم ترس . ترس و سرما بد حالتی در انسان ایجاد می کند .

گاهی فکر افراد درون ساختمانم . همزمانی که میدانم


آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رأی شماره ۲۰۰۰۶۶۶ و ۲۰۰۰۶۶۳ و ۲۰۰۰۶۶۵ برابر رأی شماره ۲۰۰۰۶۶۴ مورخ ۰۳/۰۷/۱۴۰۰ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبت ملک کارزون تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضیان آقای بهروز قزل‌بیگلو فرزند گودرز صادره از کارزون نسبت به ۴۸۲۰ سهم از ۳۴۵۴۵ سهم شش‌دانگ و آقای اله مراد قزل‌بیگلو فرزند گودرز صادره از کارزون نسبت به ۱۰۵۷۵ سهم از ۳۴۵۴۵ سهم شش‌دانگ و آقای حاتم قزل‌بیگلو فرزند گودرز صادره از کارزون نسبت به ۱۰۵۷۵ سهم از ۳۴۵۴۵ سهم شش‌دانگ و آقای علی مراد قزل‌بیگلو فرزند گودرز صادره از شیراز نسبت به ۸۵۷۵ سهم از ۳۴۵۴۵ سهم سهام شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۳۴۳ مترمربع پلاک ۱۴۲۵ فرعی از ۳۶ اصلی مغروز و مجزی شده از پلاک ۱۸ فرعی از ۳۵ و ۱۴ از ۳۶ اصلی قطعه ۷ واقع در بخش ۷ فارس کارزون خریداری از مالک رسمی آقای امیرحسین قزل‌بیگلو محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود و در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۱/۰۸/۱۴۰۰
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۲۶/۰۸/۱۴۰۰
داود انصاری
رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۲۰۰۰۶۶۶ و ۲۰۰۰۶۶۳ و ۲۰۰۰۶۶۵ برابر رأی شماره ۲۰۰۰۶۶۴ مورخ ۰۳/۰۷/۱۴۰۰ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کارزون تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضیان آقای بهروز قزل‌بیگلو فرزند گودرز صادره از کارزون نسبت به ۴۸۲۰ سهم از ۳۴۵۴۵ سهم شش‌دانگ و آقای اله مراد قزل‌بیگلو فرزند گودرز صادره از کارزون نسبت به ۱۰۵۷۵ سهم از ۳۴۵۴۵ سهم شش‌دانگ و آقای حاتم قزل‌بیگلو فرزند گودرز صادره از کارزون نسبت به ۱۰۵۷۵ سهم از ۳۴۵۴۵ سهم شش‌دانگ و آقای علی مراد قزل‌بیگلو فرزند گودرز صادره از شیراز نسبت به ۸۵۷۵ سهم از ۳۴۵۴۵ سهم سهام شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۴۵۴۵ مترمربع به پلاک ۱۴۲۶ فرعی از ۳۶ اصلی مغروز و مجزی شده از پلاک ۱۸ از ۳۵ و ۱۴ از ۳۶ اصلی واقع در قطعه ۷ بخش ۷ فارس کارزون سهمی انتقال ملک از مالک رسمی (امیرحسین قزل‌بیگلو) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود و در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۱/۰۸/۱۴۰۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۲۶/۰۸/۱۴۰۰

داود انصاری

رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۲۰۰۰۶۷۵ و ۲۰۰۰۶۷۳ و ۱۴۰۰۶۰۳۱۱۰۰۴ مورخ ۰۴/۰۷/۱۴۰۰ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کارزون تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای ابوالفضل قزل‌بیگلو فرزند علی حسین صادره از کارزون در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۳۶۰۸ مترمربع پلاک ۱۴۲۴ فرعی از ۳۶ اصلی مغروز و مجزی شده از پلاک ۱۸ از ۳۵ و ۳۶ اصلی قطعه ۷ واقع در بخش ۷ فارس کارزون خریداری از مالک رسمی آقای امیرحسین قزل‌بیگلو محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود و در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۱/۰۸/۱۴۰۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۲۶/۰۸/۱۴۰۰

داود انصاری

رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۰۶۰۳۱۱۰۰۲۰۰۰۶۵۵ مورخ ۰۱/۰۷/۱۴۰۰ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کارزون تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای بهروز قزل‌بیگلو فرزند گودرز بشماره ملی ۲۳۶۰۳۲۲۹۳۸ صادره از کارزون در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۷۵۵/۶۹ مترمربع بیلاک ۱۴۲۲ فرعی از ۳۶ اصلی مغروز و مجزی شده از پلاک ۱۸ از ۳۵ و ۳۶ اصلی قطعه ۷ واقع در بخش ۷ فارس کارزون خریداری از مالک رسمی آقای امیرحسین قزل‌بیگلو محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود و در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۱/۰۸/۱۴۰۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۲۶/۰۸/۱۴۰۰

داود انصاری

رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۲۰۰۰۶۷۳ و ۱۴۰۰۶۰۳۱۱۰۰۴ مورخ ۰۴/۰۷/۱۴۰۰ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کارزون تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای اشکان قزل‌بیگلو فرزند حسن بشماره ملی ۲۳۶۰۲۸۴۰۳۷ صادره از کارزون در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۵۰۰ مترمربع پلاک ۱۴۲۳ فرعی از ۳۶ اصلی مغروز و مجزی شده از پلاک ۱۸ از ۳۶ و ۳۷ قطعه ۷ واقع در بخش ۷ فارس کارزون خریداری از مالک رسمی آقای امیرحسین قزل‌بیگلو محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود و در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۱/۰۸/۱۴۰۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۲۶/۰۸/۱۴۰۰

داود انصاری

رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی صادره ۱۹۰۰۰۰۰۷۰ و ۳۱۱۰۱۹۰۰۰۰۶۰۳۱۴۰۰۰/۸/۱۴۰۰ صادره هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی بوانات تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی زیر واقع در قطعه سه بوانات علیا سفلی بخش ۱۴ فارس محرز گردیده است. لذا مشخصات متقاضی و ملک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند؛ می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.

۶۰۶/۷- آقای غلامحسین رادمرد فرزند بهمن به ش ش ۱۷ و کد ملی ۵۱۳۹۷۴۷۸۵۵ صادره بوانات نسبت به شش‌دانگ یک درب باغ به مساحت شصت هزار متر مربع (ما به ازاء ۹/۶ سهم مشاع از ۷۲ سهم سهام شش‌دانگ) تحت پلاک ۶۰۶/۷ متخذه از پلاک ۶۰۶/۲ ب حق الشرب تابعه طبق قانون تقسیم و توزیع عادلانه آنها و نحوه استفاده از آن در بخش ۱۴ فارس قطعه سه بوانات علیا مزرعه دره اشکفت.

بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض عملیات ثبتی ادامه و طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۱/۰۸/۱۴۰۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۲۶/۰۸/۱۴۰۰

رئیس ثبت اسناد و املاک بوانات

سید محمدرضا قریشی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۲۰۰۰۶۶۸ و ۲۰۰۰۶۶۹ مورخ ۰۳/۰۷/۱۴۰۰ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کارزون تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضیان آقای علی مراد قزل‌بیگلو فرزند گودرز بشماره شناسنامه ۲۴۷۵ صادره از شیراز نسبت به ۱۲۰۰۰ سهم از ۱۴۶۵۱ سهم شش‌دانگ و آقای علی حسین قزل‌بیگلو فرزند امیرحسین به شماره شناسنامه ۲۰۳۸ صادره از شیراز نسب به ۲۶۵۱ سهم از ۱۴۶۵۱ سهم شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۴۶۵۱ مترمربع پلاک ۱۴۲۷ فرعی از ۳۶ اصلی مغروز و مجزی شده از پلاک ۱۸ از ۳۵ و ۱۴ از ۳۶ واقع در قطعه ۷ بخش ۷ فارس کارزون اصلی خریداری از مالک رسمی آقای (امیرحسین قزل‌بیگلو) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود و در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۱/۰۸/۱۴۰۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۲۶/۰۸/۱۴۰۰

داود انصاری

رئیس ثبت اسناد و املاک



یک خصوصیتی که در دوران امام زمان هست این است که انسان ها آراسته به فضائل اخلاقی می شوند. ضعف های اخلاقی که این همه مشکلات را برای بشر به وجود آورده، در طول تاریخ از انسان ها گرفته می شود (۱۳۶۶/۰۱/۲۴).

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: علی اسدزاده
سر دبیر و صفحه‌آرا: صدیقه طاهره اسدزاده

هیئت تحریریه: محمد بارونی، سجاد زارع، فاطمه اسدزاده، علی اکبر فرشته حکمت
آدرس: شیراز- چهارراه گمرک- ساختمان نادر- طبقه دوم- واحد ۲۰۴
کازرون- شهرسبز را از کتاب فروشی آملی خیابان شهداء جنوبی بگیرید
شماره تماس: شیراز: ۰۹۱۷۳۲۱۰۳۵۷ و ۳۸۲۲۸۴۴۴ / کازرون: ۰۹۱۷۳۲۱۰۳۵۷
رایانامه: shahresabz@gmail.com
Shahr-sabz.ir
چاپخانه: نشر فرهنگ اهواز

شماره ثبت کتابخانه ملی (ISSN): ۲۰۰۸-۹۰۳۱
سال نوزدهم- شماره ۵۴۳
چهارشنبه ۲۶ آبان ماه ۱۴۰۰



خاطرات جنگ هم نامش آمد است. آقارحیم قنبری روزی کتاب نسبتاً قطوری درباره جنگ و سوسنگرد به من نشان داد و گفت: حاج محمود! در این کتاب خبری از شهدا و رشادت های رزمندگان کازرونی در سوسنگرد نیست ولی ذکر خیر نانوائی تو هست.

آیا بعد از جنگ فرصت کردید سری به نانوائی بزنید ببینید وضعیتش چطور است؟

بله. چند سال پس از پایان جنگ یک یادواره شهدا در سوسنگرد بود. با تعدادی از بچه های کازرون با دو مینی بوس به سوسنگرد رفتیم. گفتیم سری هم به نانوائی برنیم. دیدیم نانوائی به سوپر مارکت تبدیل شده است ولی چند مغازه آن طرف تر یک نانوائی راه افتاده است. دوستان همراه، جریان نانوائی کازرونی ها را به کارکنان نانوائی گفتند و مرا معرفی کردند و گفتند اگر ممکن است شاطر محمود چند نان به تئور بزند و فیلم و عکس بگیریم. آنها هم با روی باز استقبال کردند و ما را تحویل گرفتند. چند سال دیگر هم باز یادواره شهدای سوسنگرد بود. با آقارحیم قنبری و صمد مهرتاش و حاج شهریار تقی نژاد رفتیم و شرکت کردیم. آقای قنبری هم سخنرانی خوبی کرد که جان گرفتیم و به یاد رشادت های رزمندگان افتادیم. بعد دوباره گفتند برویم سری به نانوائی بزنیم. مجدداً به همان نانوائی که چند مغازه آن طرف تر راه افتاده بود رفتیم و خودمان را معرفی کردیم باز هم اجازه دادند چند نان بپزم و عکس و فیلم بگیریم. گفتند: یادمان هست که قبلاً هم آمده اید و نان پختید و عکس گرفتید! بعد از ظهر آن روز به جلسه ای با برادران سپاه رفتیم. آقای قنبری ذکر خیر شهدای کازرون در سوسنگرد از جمله شهید سیدمحمدجواد دیده ور و شهید قنبر پویان را کرد و گفت: جا دارد اسم خیابانی یا میدانی یا چیزی در شهر سوسنگرد به نام شهدای کازرون باشد. فرماندار سوسنگرد هم در جلسه بود. آقای قنبری گفت: ما در کازرون خیابانی داریم به نام خرمشهر. کازرونی ها در سوسنگرد خیلی رشادت و مقاومت کرده اند و شهید داده اند. خوب است شما هم نام خیابانی را شهدای کازرون بگذارید. گفتند: بررسی می کنیم. نمی دانم آیا این کار عملی شده است یا نه. به هر حال کار در این نانوائی و بودن در کنار رزمندگان یکی از دوران شیرین زندگی من بود. سفر اول که آمدم شش ماه طول کشید که نتوانستم به مرخصی بیایم و خانواده را ببینم. موقع رفتن پسرم عبدالرحمان کوچک بود و راه نمی رفت. وقتی برگشتم دیدم کودکی در بغل همسرم یا مادرم است. گفتیم: بچه کیست؟ گفتند: پسر عبدالرحمان است. نشناختم. خیلی بزرگ شده بود. به هر حال دست همه کسانی که در جریان آن نانوائی بودند و به هر نحو کمک کردند را می بوسم. مطمئناً خیلی ها بوده اند که در انواع کارهای این نانوائی کمک کرده اند ولی من آنها را به یاد ندارم. از آنها که نام نبرده ام عذرخواهی می کنم.

زینعلی دهقان هم کمک می کردند. این جا هم روزی چهار پنج هزار نان می پختیم. نیروها هم گاهی می آمدند و نان گرم برمی داشتند و می خوردند و این باعث خوشحالی ما بود. پس از مدتی پیشنهاد دادند به سپاه بروم و نانوا باشم و عضو سپاه هم باشم ولی دوست داشتم آزاد باشم. روزی آقای ناصر جوان شیر که در شیراز کار می کرد به کازرون آمده بود. به او پیشنهاددم که اگر می خواهی هم نانوا و هم پاسدار باشی سپاه کازرون نیاز دارد. او را به آقای غلام پناه معرفی کردم و او به سپاه رفت.

پس از مدتی دوباره سری به نانوائی سوسنگرد زدم دیدم همه چیز مرتب است. مدتی بعد به قدری نان زیاد شد و از جاهای مختلف نان به جبهه می آوردند که دیگر نیاز نبود نانوائی کار کند. نانوائی را جمع کردند.

قدری از خاطراتتان در آن دوران بگویید.

خاطرات زیادی دارم. شبی دیروقت بود در نانوائی مشغول کار بودم، دیدم ماشینی جلو نانوائی ایستاد و کسی از آن پیاده شد و به سمت نانوائی آمد. شهر اصولاً تاریک بود و نمی توانستم تشخیص بدهم این شخص کیست. وارد نانوائی شد دیدم علی زیبایی است که من با او انس زیادی داشتم. از خط برگشته بود. او را در آغوش گرفتم، دستم به کتفش خورد دیدم تر است. گفتم: علی آقا لباس تر است. به دستم نگاه کردم دیدم خونی است. گفتم: جریان چیست؟ گفت: چیزی نیست؛ قدری زخمی شده ام. گفتم چرا به بیمارستان نرفتی؟ چرا اهواز نرفتی؟ گفت: همین اندازه که از جبهه دور شوم و به اهواز بروم و برگردم به ضرر من است... نباید جبهه را ترک کنیم، زخم مختصری است. همین جا درمان می کنیم. به مقر نیروهای کازرون که نزدیک نانوائی بود رفت برای استراحت. دیگر نمی دانم و یادم نیست که آن جا با زخمش چه کار کرد.

با توجه به اینکه فرمانده گروه کازرونی ها در سوسنگرد در آن زمان شهید عبدالرسول رضویان و معاونش شهید ابراهیم باستان هم در همان مقر نزدیک نانوائی مستقر بودند از آنها خاطره ای داری؟

خیر من آنها را به یاد نمی آورم.

درست است احتمالاً آنها چند روز پیش از آمدن شما به سوسنگرد و نانوائی در اواسط آبان ماه شهید شده بودند. شما آخر آبان آمده اید سوسنگرد؟

بله. البته باید بگویم ما تنها چند نیروی محدود نبودیم که نانوائی را کار می کردیم و این حجم نان می پختیم. مرتب بچه های رزمنده مخصوصاً نیروهای کازرونی که در مقری نزدیک به نانوائی بودند به ما کمک می کردند. بین نانوائی و مقر نیروهای کازرون تنها چند مغازه فاصله بود. یادم هست که صمد فخرا، حبیب سیاوش، نادر نکویی و احد طاهری گاه به نانوائی می آمدند و کمک می کردند.

بله! شما لطف کردید به خود من هم چانه کردن نان را یاد دادید و گاهی کمک می کردم. تا جایی که به یاد دارم خود نانوائی هم به نانوائی کازرونی ها شناخته شده بود. درست است؟

بله. حتی تابلو پارچه ای داشت که روی آن نوشته شده بود: نانوائی کازرونی ها در سوسنگرد. الان در بعضی کتاب های

نانوائی سوسنگرد مصاحبه با حاج محمود پور حاجی تهیه و تنظیم: رحیم نوبهار

مستقر در آن حوالی، در تنوری که کمتر آسیب دیده بود قدری نان هم می پختند. به هر حال کُل درست کردیم و تنورها را رو به راه کردیم و شروع به پخت نان کردیم. یک گروه بودیم و صبح تا عصر کار می کردیم، ولی باز هم نیاز به نان بود و تقاضا بیشتر از اندازه پخت ما بود. مدتی بعد با برادران کمیته تماس گرفتیم و وضعیت را برایشان توضیح دادیم و گفتم: اگر بتوانید یک تیم دیگر را بفرستید که در دو نوبت پخت کنیم بهتر است. پیشنهاد دادم با آقایان عباس سرتیپی و حبیب حیات داوودی صحبت کنند. من آنها را می شناختم و احتمال می دادم قبول کنند و بیایند سوسنگرد، بعداً آقای نجف راستی هم آمد و یک گروه صبح تا عصر و گروهی دیگر، شب تا صبح نان می پختیم. موقع عملیات هم بعضی از ما برای حمل مجروح می رفتیم. به هر حال این کار موفق و خوبی بود و باعث می شد نان تازه تر به رزمنده ها برسد. بعضی روزها چهار هزار تا پنج هزار نان می پختیم. نانوائی به نوعی در محل عبور و مرور رزمندگان هم بود. زرمندگانی که از کنار نانوائی عبور می کردند میلشان می کشید و نان گرم می خوردند و این برای ما خیلی لذت بخش بود که نان گرمی به دست یک رزمنده بدهیم. بعداً گروه دیگری هم که به یاد نمی آورم آیا از شیراز بودند یا اصفهان آمدند و یک نانوائی مخروبه دیگر را که در همان نزدیکی بود راه انداختند، ولی نتوانستند ادامه بدهند. سوسنگرد زیر آتش بود و گلوله های توپ و خمپاره می آمد و کارکردن راحت نبود. حتی روزی موج انفجار گلوله توپ یا خمپاره به پای یکی از کارگران آن نانوائی آسیب زد. ولی ما تا مدت های زیادی ادامه دادیم. نان های پخت نانوائی به تدارکات می رفت و از آن جا بسته بندی می شد برای خطوط مقدم و جاهای دیگر. آقای اکبر دهقان هم آن جا بود در تدارکات و پشتیبانی نیروها خیلی فعال بود و مایحتاج ما مخصوصاً آرد را از کمیته امداد امام خمینی کازرون تهیه می کرد و می فرستاد.

تا چه مدتی در نانوائی کار کردید و آن جا را مدیریت کردید؟

ابتدا حدود شش ماه بودم. پس از حدود شش ماه که کار نانوائی سامان گرفته بود روزی از کازرون زنگ زدن و گفتند: پادگان شهید دستغیب در کازرون به مرکز آموزش بسیجیان تبدیل شده و نیروهای زیادی در آن جاست. تأمین نان برای آنها از نانوائی های شهر مشکل است. قصد داریم یک نانوائی در خود پادگان راه بیندازیم؛ شما بیایید آن را راه اندازی کنید. من بودن در سوسنگرد را که به جبهه و رزمندگان نزدیک تر بودم خیلی دوست می داشتم و مایل نبودم به کازرون بیایم. ابتدا جواب رد دادم. گفتند: مگر نیت شما رضای خداوند نیست؟ گفتم: بله. گفتند الان این جا به حضور شما نیاز است. به هر حال مرا قانع کردند که برگردم به کازرون... نانوائی سوسنگرد را به پسر عمویم ابراهیم پورحاجی و دوستانی که بودند سپردم. آقایان حاج احمد آزادوار و احمدآقا احمدزاده هم از کازرون به سوسنگرد آمدند برای برن من به کازرون. آنها هم اوضاع نانوائی را که دیدند، گفتند: این جا که اوضاع رو به راه است؛ بیایید برویم نانوائی پادگان را راه بیندازیم. به کازرون برگشتم. دیدم یک نانوائی دوتنوره در پادگان راه افتاده است و آقایان صمد امیرعسدی، حسین عباس پور و

در دوران جنگ تحمیلی نیروهای شهرستان کازرون یک نانوائی در شهر سوسنگرد تأسیس کرده بودند. این نانوائی توسط نیروهای تدارکاتی و تا اندازه ای رزمی شهرستان کازرون اداره می شد. مقر گروه رزمنده های کازرونی نیز نزدیک به همین نانوائی بود. من خود این نانوائی را دیده بودم و حتی قدری در آن کمک می کردم. در جریان تدوین کتاب عام برات بارها از پدرم درباره این نانوائی و فعالیت های شاطر حاج محمود در آن پرسیدم. اما ایشان چیزی به یاد نمی آورد. لذا نتوانستم در آن کتاب به ماجرای این نانوائی بپردازم. از این روی با حاج محمود حاجی پور شاطر آن نانوائی مصاحبه ای کردم که اکنون در سالگشت آزادی سوسنگرد منتشر می شود. از رزمنده مخلص آقای پورحاجی تشکر می کنم. همچنین از آقای حاج اسماعیل جوشن که در انجام این مصاحبه کمک کرد و نکاتی را درباره نقش کمیته امام در راه اندازی این نانوائی یادآور شد سپاسگزاری می کنم.

رحیم نوبهار

حاج محمودا! بفرمایید آن نانوائی چگونه راه اندازی شد؟ فکر راه اندازی آن از چه کسی بود؟

من در کمیته امداد امام خمینی کازرون خدماتی را انجام می دادم و به دوستان آن جا کمک می کردم. روزی برادران به من گفتند: یک نانوائی در سوسنگرد هست که به علت بمباران تخریب شده است. در سوسنگرد و جبهه های آن رزمندگان به نان نیاز دارند و اگر بتوانی نانوائی را راه اندازی کنی تا نان تازه به رزمندگان برسد خیلی خوب است. گفتم: نانوائی سوخت و آرد نیاز دارد. بر فرض تعمیر کنیم، لوازم آن را از کجا تهیه کنیم؟ گفتند در سوسنگرد گازوئیل هست؛ آرد را هم از کازرون برایتان تهیه می کنیم.

چه کسی دقیقاً این پیشنهاد را داد؟

حاج حبیب جوشن و حاج قاسم شیخیان که آن زمان فرماندار و مسئول کمیته امداد امام بود با من صحبت کردند. من هم رفتم با چند نانوا صحبت کردم و از آنها دعوت کردم. گفتم: مزد به شما می دهند؛ ثواب هم می برید.

با چه کسانی صحبت کردید که کمک کنند؟

با پسر عمویم ابراهیم پورحاجی که اکنون به رحمت خدا رفته است و نان پهن کن و به اصطلاح نان وابر بود و مجید پورریخته، صمد دانش، مجید مرتضوی و عباس کرمی صحبت کردم.

عباس کرمی برادر شهید حسین کرمی است؟

خیر. فکر کنم عموزاده ایشان است. به هر حال یک کامیون ده چرخ بار زدیم که مقداری از بار آن هم آرد بود و به سوسنگرد رفتیم.

این در چه تاریخی بود؟

اواخر برج هشتم سال ۱۳۶۰ بود. به هر حال به سوسنگرد رفتم. دیدم یک نانوائی دو تنوره به سبک سوسنگرد است که به علت اصابت خمپاره و گلوله حالت مخروبه داشت. یکی از تنورها بیشتر از دیگری آسیب دیده بود. مثل اینکه نیروهای



نشسته از راست:

حاج جواد زهرانی، شهید عباس بذرفشان، احمد عبادی، حاج محمود حاجی پور، فردی که جنس از کمیته امداد امام به جبهه آورده است.

پشت سر ایستاده:

دائی همتی، علی زببائی، یکی از اقوام علی زببائی، مرحوم شاطر ابراهیم پورحاجی

